

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۶)

اسماعیل وفا یغمایی

شورش آقا خان محلاتی

آقا خان محلاتی فرزند شاه خلیل الله رهبر فرقه اسماعیلیه در ایران و هندوستان بود. شاه خلیل الله در دوران فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۲۳۲ هجری، ۱۸۱۷ میلادی هنگامیکه حکومت کرمان را داشت در یزد به دست مخالفان به قتل رسید. فتحعلیشاه برای دلجویی از اسماعیلیان آقا خان را به دامادی خود مختار کرد و حکومت قم و محلات را به او سپرد. در دوران محمد شاه، آقاخان حاکم کرمان بود. پس از به وزارت رسیدن حاج میرزا آغاسی و رفتار نامناسب او با آقا خان، آقا خان طغیان کرد و لی چون تاب مقابله با لشکریان اعزامی را نیاورد به قلعه بم پناه برد و پس از مدتی به دستور شاه به محلات رفت. پس از مدتی آقا خان به بهانه سفر مکه راهی یزد شد و در آنجا با مریدان خود دیگر بار طغیان کرد. در مقابله با نیروهای دولتی، آقا خان از یزد به کرمان پناه برد و چون در آنجا نیز مغلوب شد از راه قندهار به هند رفت و تحت حمایت دولت انگلیس در هندوستان اقامت گزید و داستان شورش خاتمه یافت.

اختلافات ایران و عثمانی

پناهنده شدن محمود پاشا والی ولایت سلیمانیه به دربار ایران در سال ۱۲۵۸ هجری، ۱۸۴۳ میلادی، دستور محمد شاه به یاری دادن محمود پاشا و حمله والی کردستان به خاک عثمانی و مشکلات سرحدی و آزار تجار و مسافران ایرانی توسط مأموران مرزی دولت عثمانی، آتش اختلاف را میان ایران و عثمانی بر افروخت. کشتار نه هزار تن از شیعیان در کر بلا ادامه این ماجراست و تشکیل انجمنی از نمایندگان دولتهای ایران، عثمانی، روس و انگلیس و انعقاد معاهده دوم ارزنه الروم، به همت و پشتکار میرزا تقی خان فراهانی - امیر کبیر - به این اختلافات پایان داد.

شورش سالار

شورش حسن خان سالارفرزند آصف الدوله عموی شاه ابتدا به علت اختلاف با حاج میرزا آغاسی شروع شد و در ادامه خود به ادعای سلطنت و لشکر

کشی به طرف تهران کشید. سالار با همکاری روسای ایلات و عشایر خراسان و بخصوص جعفر قلی خان رئیس ایلات و عشایر بجنورد و قوچان شورش خود را آغاز کرد. شورش سالار تا زمان مرگ محمد شاه ادامه داشت و به دوران ناصرالدینشاه جانشین محمد شاه کشیده شد.

اوجگیری مذهب بابیه

مذهب بابیه از درون مذهب شیخی - یکی از انشعابات شیعه دوازده امامی - سر بر آورد و مذهب شیخی در اوایل دوران فتحعلیشاه ظهور کرد. شیخ احمد ابن زین الدین، از آخوندها و علمای صاحب نام عرب تبار شیعه و از اهالی قریه ای در نزدیکی الاحساء در بحرین، بانی مکتب شیخی بود. چون مکتب بابیت در دوران پیش از مشروطیت ماجراهای زیادی را در ایران برانگیخت لازم است اندکی به آن و ریشه های آن پرداخته شود.

شیخ احمد احسائی

شیخ احمد احسائی در پنج سالگی آموختن قرآن را شروع کرد و پس از دوران نوجوانی به کر بلا و نجف رفت و طی بیست سال تحصیل موفق به گرفتن درجه اجتهاد در روایت و درایت از سوی پنج تن از آخوندهای بلند پایه شیعه از جمله شیخ جعفر کاشف الغطا گردید. او پس از بازگشت و اقامت چهار ساله خود در بحرین بار دیگر به عتبات باز گشت.

بنیاد گذار مکتب شیخی با تدوین یک تئوری امام شناسی جدید میگفت با «کشف و شهود» سر و کار دارد، «امامان شیعه را به طور متواتر در خواب زیارت میکند» و از آنان مشکلات خود را می پرسد و نیز «با استشمام رایحه احادیث به واقعی بودن یا جعلی بودن آنها پی می برد».

آوازه دانش و کرامات شیخ احمد پس از مدتی در ایران پیچید و چون به ایران آمد و در یزد اقامت کرد فتحعلیشاه قصد کرد به دیدار و زیارت او برود و از محضر او کسب فیض کند و مشکلات خود را بپرسد. از جمله سئوالات فتحعلیشاه، آن هم در کشاکش جنگ ایران و روس این بود که «در بهشت مراسم عقد و ازدواج چگونه بر گزار میشود» و «آیا در آنجا میتوان بیشتر از چهار زن گرفت یا نه؟». قدرت و آوازه شیخ در ایران چنان بالا گرفت که در اصفهان شانزده هزار نفر در نماز به او اقتدا کردند. پس از درنگی کوتاه در پایتخت و در بازگشت به سوی عتبات، شیخ دو سال در کرمانشاه درنگ کرد و مورد انواع الطاف فرزند بزرگ

فتحعلیشاه شاهزاده محمد میرزای دولتشاه قرار گرفت و در همین ایام شاهزاده محمد میرزا موفق شد درب یکی از ابواب بهشت را از شیخ احمد به مبلغ هزار تومان بخرد. لنگه دیگر درب این باب از بهشت را قبل از آن، سید رضا پسر بحر العلوم خریداری کرده بود.

اشاره ای به نظرات شیخ احمد احسائی

شیخ احمد احسائی در همین دوران و در هنگامی که انبوهی از مردم توجهشان به سوی این شیخ نامدار و متفاوت با سایر شیوخ جلب شده بود، نظرات خود را مطرح کرد. مهمترین نکاتی که شیخ احمد احسائی بر آنها تاکید داشت عبارتند از:

۱- پذیرش توحید و نبوت و امامت و ادغام صفت عدل در صفات ثبوتیه.

۲- شیخ احمد احسائی معاد جسمانی را به صورت هور قلیائی - اصطلاحی مشتق از کلمات عبری هیل به معنای بخار و قرنیم به معنای درخشش و شعاع - میدانست.

او معتقد بود که امام زمان در جهان هور قلیا زندگی میکند و هر گاه صلاح بداند در هیئتی جز کالبد اصلی اش به این جهان خواهد آمد - اصطلاح هور قلیا نخستین بار توسط عارف و فیلسوف نامدار ایرانی سهروردی مشهور به شیخ اشراق ۵۴۹، ۵۸۷ هجری مطابق ۱۱۵۴ تا ۱۱۹۱ میلادی - در مفاهیمی از تصوف و عرفان به کار گرفته شده بود. فلسفه هور قلیائی امام زمان بعدها مورد استفاده باب قرار گرفت و به طور تئوریک تفسیر کننده و توجیه گر ظهور او گردید.

۳ - اعتقاد شیخ این بود که در جریان معراج، پیامبر در هر فلکی جسمی متناسب با موجودیت و قوانین آن فلک پیدا میکرد تا در هنگام سفر قوانین حاکم بر جسمی که در کره زمین پرورده شده است در تناقض با قوانین دیگر فلکها قرار نگیرد.

۴ - او وجود امام غایب را عمیقاً باور داشت و میگفت ظهور او حتمی است ولی هم اکنون در جهانی روحانی به سر میرود و از آنجا امکان حکمرانی بر عالم امکان را دارد.

در همین رابطه باید تاکید کرد یکی از مهمترین وجوه اختلاف شیخ احمد احسائی و دیگر شیوخ دوران تاکید فراوان او بر مقوله امام زمان و تبدیل این اعتقاد به یک باور فعال و کشاندن

آن به صحنه روزگار در آن دوران بود. با طرح تئوری «رکن رابع» شیخ احمد احسائی حرف آخر خود را زد و آن را برای پیروان مکتب خود تبدیل به یک مقوله اعتقادی کرد. او با استفاده از فلسفه یونان و مقولات وجودهای ذاتی و صوری در اشیاء، میگفت جنبه ذاتی اشیا تغییر ناپذیر و جنبه صوری تغییر پذیر است و امام زمان قدرت دارد با تغییر دادن وجه صوری و حفظ وجه ذاتی خود در سیما و با نام دیگری ظاهر شود. مقوله وجودهای ذاتی و صوری پیش از شیخ احمد احسائی در فلسفه باطنیان خود را نشان میداد و با استفاده از این مساله حتی کار تا مرحله ادعای خدائی پیش میرفت. بعد از آن نیز سید محمد ابن فلاح مششع - درگذشت ۸۷۵ هجری، ۱۴۷۰ میلادی - در خوزستان خود را با همین فلسفه، مهدی موعود خواند و پیروان او در صحنه جنگ با این اعتقاد چنان بی پروائی و از جان گذشتگیهای نشان دادند که شگفتی آور است.

۵ - میزان اعتقاد شیخ احمد احسائی به امامان شیعه آنقدر زیاد بود که مخالفان میگفتند آنان امامان را به مقام ربوبیت میرسانند و این خلاف دین است. شیخ احمد احسائی با کنکاش در فلسفه یونان و بر گرفتن مقوله علل اریعه - علت فاعلی، علت مادی، علت صوری و علت غائی - اعتقاد داشت که علت چهارگانه آفریده شدن جهان و خلقت اساسا امامان شیعه بوده اند و بنابر این صاحب اختیار مردم جهان آنان هستند و در هر لحظه که بخواهند به هر شکل و سیما در خواهند آمد. او با استفاده از روایات مختلف میگفت به همین دلیل در حدیث آمده که علی ابن ابیطالب در یک شب در چهل جا میهمان بود.

۶- شیخ احمد اعتقاد داشت از میان شیعیان یک «شعبه کامل» یا «ناطق واحد» یا «رکن رابع»، بطور منحصر میتواند و باید رابط بین امام غایب و شیعیان باشد. این فرد از زمان نابیان چهارگانه تا حال وجود داشته ولی مردم به شناخت آنان موفق نشده اندو حال زمان آن فرا رسیده که برای شناخت این رکن رابع تمام کوششمان را به کار بگیریم. این اصل که موجب نزول قدرت علما میشد به سختی مورد اعتراض آنها قرار داشت.

شیخ احمد احسائی خود را شیعه کامل میدانست و پیروان او شیخیه نامیده میشدند. شیخ احمد احسائی در سال ۱۲۳۴ هجری، ۱۸۱۹ میلادی به

بقیه در صفحه ۱۹